



دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر
فصلنامه علمی-پژوهشی فضای جغرافیایی

سال هفدهم، شماره ۵۸
تابستان ۱۳۹۶، صفحات ۲۸۴-۲۶۵

محمدعلی فیروزی^۱
هادی علیزاده^{۲*}

تحلیل و پیش بینی تحقق رویکرد حکمروایی شهری در مدیریت شهری اهواز

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۸/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۲/۱۵

چکیده

هدف از مطالعه حاضر تحلیل و پیش‌بینی تحقق رویکرد حکمروایی شهری در مدیریت شهری اهواز می‌باشد که به‌صورت دقیق در دو هدف فرعی ارزیابی میزان اولویت کاربست شاخص‌های حکمروایی شهری و همچنین میزان پیش‌بینی تحقق رویکرد حکمروایی شهری از سوی این شاخص‌ها در مدیریت شهری اهواز به انجام رسیده است. در این راستا روش‌شناسی پژوهش «توصیفی-تحلیلی» می‌باشد که مبنای گردآوری داده‌ها در آن به‌صورت شیوه پیمایشی و با ابزار پرسشنامه صورت گرفته است. جهت گردآوری داده‌ها از نظرات ۳۸۴ نفر از شهروندان اهواز استفاده شده است که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای و تصادفی ساده انتخاب شده‌اند. قلمرو زمانی پژوهش جهت گردآوری داده‌ها از اسفند ماه ۱۳۹۲ تا تیرماه ۱۳۹۳ می‌باشد. جهت تحلیل داده‌ها متناسب با اهداف پژوهش از آزمون آماری T و مدل تحلیل تشخیص در قالب نرم‌افزار SPSS استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که شاخص شفافیت با مقدار ویژه ۱/۰۹ و میزان اختلاف از میانگین مبنای پایین ۱/۴۱- دارای شرایط نامناسب و متقابلاً از اولویت بیش‌تری برای بهبود وضعیت در فرآیند مدیریت شهری اهواز از دیدگاه شهروندان می‌باشد. در ادامه، نتایج مدل تحلیل تشخیص برای پیش‌بینی تحقق رویکرد حکمروایی شهری در مدیریت شهری

۱- گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه شهید چمران اهواز.

*۲- دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه شهید چمران اهواز (نویسنده مسئول).

اهواز نشان می‌دهد که شاخص کارایی با میزان لامبدای $0/416$ و میزان پیش‌بینی کلی $0/391$ بهتر از بقیه شاخص‌ها می‌تواند شرایط تحقق رویکرد حکمروایی شهری را در فرآیند مدیریت شهری اهواز پیش‌بینی کند.

کلید واژه‌ها: شاخص کارایی، حکمروایی شهری، شهر اهواز، مدل تحلیل تشخیص، شاخص شفافیت.

مقدمه

مهم‌ترین چالش در هزاره‌ی ارتباطات و تکنولوژی برای شهرها و به‌خصوص مادر شهرهای جهان، افزایش سریع جمعیت و تنوع در سلايق و خواست‌های شهروندان برای دستیابی به معیارها و نمایه‌های توسعه ذکر شده است (علیزاده و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۰۶). گزارش سازمان‌های جهانی مانند بانک جهانی نشان می‌دهد که نزدیک به ۶۰ درصد از جمعیت جهان در شهرها زندگی می‌کنند که اگر جمعیت ساکن در کشورهای آفریقایی و بعضی از کشورهای جهان سوم را به حساب نیاوریم این میزان هم اکنون به ۷۰ درصد شهرنشین برای اکثر کشورهای جهان می‌رسد. فرآیندی که در قاره آسیا از نیمه دوم قرن بیستم تا سال ۲۰۱۰ میلادی افزایش دو نیم برابری را در جمعیت شهرنشین این قاره در پی داشته است (محمدی‌ده‌چشمه و علیزاده، ۱۳۹۳: ۵۳). متناسب با چنین افزایشی در فرآیند شهرنشینی و شهرگرایی، چالش‌های متعددی نیز شهرها را تهدید می‌کند که مهم‌ترین این چالش‌ها را می‌توان در فقر شهری (اسکندری ثانی و سجادی، ۱۳۹۳: ۴۹)؛ مهاجرت‌های بدون برنامه و متعاقباً رشد پراکنده و نامنظم کالبدی در شهرها (بمانیان و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۲۷)؛ کاهش منابع توسعه و افزایش تقاضا برای برخورداری از امکانات و تسهیلات مربوط به کیفیت زندگی در شهرها و بروز مسائل و چالش‌های اجتماعی همچون ناهنجاری‌های اجتماعی و کاهش امنیت در شهرها مشاهده کرد (پی‌یر، ۲۰۱۳: ۱۶۶).^۳

مسائلی که مدیریت شهرهای امروز را دچار چالش‌های متعددی کرده است. هم‌زمان با این مشکلات امروزه در شهرها چالش‌های جدیدی گریبان‌گیر مدیریت شهری می‌باشد که در کنار روند شتابان افزایش جمعیت و تقاضا برای منابع و خدمات، لزوم تأمل و تغییر در نوع مناسبات با مردم و محیط را ضروری ساخته است (برک پور و اسدی، ۱۳۸۸: ۵۶). مقوله‌ای که نیازمند بازبینی و تحول در روابط و ساختارها، نگاه جدید به مسائل و چالش‌ها و نحوه حل آن‌ها و همچنین نحوه مواجهه و ارتباط با بازیگران مختلف عرصه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در شهرها می‌باشد (هاس و کلاسن، ۲۰۱۰: ۲۵۷).^۴ فرآیندی که با توجه به ساختارهای موجود در مدیریت شهرهای کشورهای در حال توسعه مشاهده نمی‌شود. ساختار درون‌سازمانی و برون‌سازمانی موجود در مدیریت این شهرها متمرکز و بسته می‌باشد. روند نگاه مدیریت شهری به چالش‌ها و مشکلات، سنتی و پروژه محور می‌باشد و عمدتاً به تحولات شهری به دید بحران می‌نگرد. در نقطه‌ی مقابل این نوع ساختار در مدیریت شهری، رویکردهای راهبردی و پایدار

3- Pierre

4- Haus & Klausen

در مدیریت شهری مطرح شده است. ساختاری مشارکتی و از پایین به بالا که به تحولات شهری به دید پویایی سیستماتیک می‌نگرد و در برابر آن‌ها از توان مشارکتی جامعه مدنی در کنار ساختار انعطاف‌مند خود استفاده می‌کند (بونتنبال، ۲۰۰۹: ۱۸۳).^۵

در این راستا و با توجه به مشکلات موجود در شهرها و نظام‌های مدیریتی موجود و لزوم مواجهه و حل مشارکتی آن‌ها، از آغاز دهه ۱۹۸۰ فرضیه غالب مدیریتی آن زمان، یعنی اقتدار کافی دولت‌ها برای اداره امور به خطر افتاد که در این روند دو عامل مهم تأثیرگذار بود. تأثیر تفکر اقتصادی نئولیبرال که طرفدار کاهش نقش دولت تا کم‌ترین حد ممکن بود و همچنین ظهور جامعه مدنی و نهضت‌های اجتماعی که تقاضا برای افزایش مشارکت سیاسی و به‌نوعی دمکراتیک‌سازی در امور را خواستار بودند (برک پور و اسدی، ۱۳۸۸: ۷۹-۸۵؛ راکودی، ۲۰۰۳: ۵۲۴).^۶ این تحولات صورت گرفته را می‌توان در عرصه برنامه‌ریزی، نظریات توسعه و مدیریت شهری بعد از دهه ۶۰ قرن بیستم به وضوح مشاهده کرد. جایی که در آن برنامه‌ریزی شهری از رویه برنامه‌ریزی جامع و متمرکز به سمت برنامه‌ریزی ساختاری-راهبردی (مهدی‌زاده، ۱۳۸۵: ۹۴-۹۹)؛ نظریات و نگرش‌های مربوط به توسعه از فرآیند توسعه وابسته و متمرکز به سمت توسعه پایدار و نظریات و رویکردهای مربوط به مدیریت شهری از حالت متمرکز و بسته آن به سمت حکمروایی شهری تغییر رویه داده است. در گذار مدیریت شهری به حکمروایی شهری، به اعتقاد مجامع جهانی مهم‌ترین مبحث در تجربه موفق این گذار، شناخت شاخص‌ها و اصول مربوط به نحوه پیاده‌سازی آن است. چرا که از طریق این شاخص‌ها و مؤلفه‌ها می‌توان به مبادی فکری و ساختارهای مواجه و پذیرش این رهیافت حکمروایی شهری را فراهم ساخت (علیزاده و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۰۷).

این رویکرد در بحث تحولات مدیریت شهری به‌عنوان رویکرد جدیدی است که مدیریت آگاهانه ساختارهای حکومتی با قصد تقویت حوزه‌های عمومی را در بر می‌گیرد (برک‌پور و اسدی، ۱۳۸۸: ۱۹۰). هر چند در دهه‌ی گذشته در کشورهای در حال توسعه به تبعیت از کشورهای غربی فرآیند تمرکززدایی از وظایف و اختیارات دولتی و دادن نقش‌های عمده به نهادهای مردم محور محلی و فرآیند مشارکت‌پذیری افزایش یافته است (راکودی، ۲۰۰۳: ۵۳۱)، ولی ضرورت توجه به چنین رویکردی و نهادینه سازی آن در بحث مدیریت شهری و توجه به حکومت‌های محلی به‌خصوص در کشورهای در حال توسعه به علت شهرنشینی و شهرگرایی گسترده، وجود مشکلات عدیده در اداره امور شهرها و به‌خصوص حاکم بودن روند تمرکزگرایی و اقتدار مآبانه دولت بیش از پیش می‌باشد (بانک جهانی، ۲۰۰۸: ۱۱).^۷ در حقیقت آشکار شدن بی‌کفایتی سیستم‌های سنتی بوروکراتیک سبب گردیده گرایش به سمت سیستم‌هایی در عرصه مدیریتی صورت گیرد که در آن تصمیمات بزرگ و کوچک با مشارکت کل ذینفعان عرصه مدیریتی یعنی مردم و سایر بخش‌های جامعه همچون احزاب و اصناف و بخش‌های خصوصی در کنار بدنه تصمیم‌گیر مدیریتی که شکل بارز آن همان رویکرد حکمروایی شهری است صورت گیرد (تقوایی و تاجدار، ۱۳۸۸:

5- Bontenbal

6- Rakodi

7- World bank

۴۶). با توجه به ضرورت یاد شده در مطالعه حاضر سعی شده است لزوم دستیابی به رویکرد حکمروایی شهری در فرآیند مدیریت شهری اهواز مورد ارزیابی قرار گیرد.

شهر اهواز به‌عنوان یکی از کلان‌شهرهای کشور می‌باشد که از مشکلات عدیده‌ای در فرآیند مدیریت شهری آنچه از جانب درون‌سازمانی و از چه لحاظ برون‌سازمانی رنج می‌برد. از لحاظ درون‌سازمانی به جهت سوء مدیریت در ارائه خدمات در بین مناطق شهری که بعضی از محلات شهری مانند حصیرآباد و شیلنگ آباد دارای کم‌ترین منابع و در بعضی زمینه‌ها مثل وجود فضای سبز، کتابخانه و مراکز خرید دارای هیچ‌گونه امکاناتی نمی‌باشند. در عوض محلاتی چون کیان پارس و زیتون در منطقه ۲ از این امکانات بهره‌مند هستند. انحلال چندین ساله شورای اسلامی شهر و تعیین شهرداران از سوی استانداری، نبود شفافیت در ارائه طرح‌ها و برنامه‌ها و وجود شکایات مردمی در بحث نحوه مداخلات در بافت‌ها و نحوه کسب مجوزهای پروانه‌های ساختمانی به‌خصوص در محله‌ی عامری در منطقه ۱ که جزو بافت‌های فرسوده می‌باشد و یا عدم نقدپذیری و مسئولیت‌پذیری مسوولان مدیریت شهری در قبال شکایات مردمی ناشی از اجرای طرح‌های صنعتی و یا طرح‌های نیمه‌کاره ساختمانی و ورزشی به‌خصوص در منطقه ۴ و ۶ شهرداری از جمله مشکلات درون‌سازمانی مدیریت شهری در شهر اهواز می‌باشد. در رابطه با چالش‌های برون‌سازمانی مدیریت شهری در اهواز می‌توان به وجود قومیت‌گرایی و تعصبات فرهنگی بین اقوام ساکن که اجازه هرگونه مشارکت‌مندی در طرح‌ها و برنامه‌ها را از شهروندان و مسوولان مدیریت شهری سلب کرده است و یا فقر و شکاف طبقاتی و بروز ناهنجاری‌های شهری در محلات مربوط به بافت فرسوده و نواحی مانند حصیرآباد، شیلنگ آباد و کوت عبدالله که به تازگی از شهر جدا شده است اشاره کرد که از جمله مسائل متعددی است که فرصت اتخاذ رهیافت‌های نوین در بحث مدیریت و حتی پرداخت به مفهوم سرمایه اجتماعی و مشارکت‌مندی و اعتماد در شهر را با چالش‌های متعددی روبه‌رو ساخته است^۸. در این راستا و با توجه به مسائل یاد شده به نظر می‌رسد دستیابی و اقدام در جهت شناسایی بسترهای بایسته در جهت پیاده‌سازی رهیافت حکمروایی شهری و مؤلفه‌ها و شاخص‌های مربوط بدان به‌عنوان رویکردی پایدار در مدیریت شهری می‌تواند در فرآیند مدیریت شهری اهواز بسیار راهگشا باشد. آن چه که در پژوهش حاضر با هدف اولویت‌بندی شاخص‌های تبیین‌کننده حکمروایی شهری و پیش‌بینی تحقق آن در مدیریت شهری اهواز به انجام می‌رسد. مطالعاتی که در حوزه حکمروایی شهری صورت گرفته است را می‌توان در دو گروه طبقه‌بندی کرد: مطالعاتی که مستقیماً به موضوع حکمروایی شهری می‌پردازند و مطالعاتی که به‌صورت غیرمستقیم در این حوزه جای می‌گیرند. با این وجود فصل مشترک این مطالعات را می‌توان در تلاش برای تبیین ابعاد مختلف مفهوم حکمروایی شهری دانست. به عبارتی سؤال اساسی در اکثر این مطالعات این بوده است که حکمروایی شهری را چگونه می‌توان در روند مدیریتی یک شهر تشخیص داده و پیاده کرد؟ چه مشخصه‌ها و اصولی بنیان‌های حکمروایی شهری را می‌سازد؟ مطالعات خارجی گسترده‌ای در این زمینه به انجام رسیده است که به تبیین

۸ - شایان ذکر است که مطالب یاد شده به عنوان مسأله پژوهش در محدوده مورد مطالعه، بر اساس مشاهدات میدانی نگارندگان و مصاحبه با ساکنان در حین انجام فرایند تکمیل پرسشنامه صورت گرفته است.

اصول و مؤلفه‌های این رویکرد و چرایی کاربست آن پرداخته‌اند. از جمله این مطالعات می‌توان به دی‌کر و ون کمپن (۲۰۰۴)^۹؛ وان مرزینگ و همکاران (۲۰۰۵)^{۱۰}؛ استوارت (۲۰۰۶)^{۱۱}؛ کوکس و وان کمپن (۲۰۱۰)^{۱۲}؛ شنگ (۲۰۱۰)^{۱۳} پی‌یر (۲۰۱۳)^{۱۴}؛ مک کان (۲۰۱۶)^{۱۵} اشاره کرد. فصل مشترک همه این منابع در زمینه مبحث حکمروایی شهری شناخت مؤلفه‌ها و شاخص‌های حکمروایی شهری و تعریف این شاخص‌ها بر اساس مشکلات و مسائل موجود و ضرورت ایجاد تحولات در فرآیند مدیریت شهری با توجه به این شاخص‌ها تحت لوای رویکرد پایدار حکمروایی شهری بوده است. بدیهی است که رویکرد تمامی این مطالعات تأکید بر تمرکززدایی از فرآیند مدیریت شهری، مشارکت مندی و تحول در فرآیند مدیریت شهری در راستای شاخص‌های یاد شده بوده است.

در راستای این مطالعات و در زمینه مطالعات داخلی در رابطه با مبحث حکمروایی شهری نیز می‌توان به برک پور و اسدی (۱۳۸۸)، تقوایی و تاجدار (۱۳۸۸)، آخوندی و برک‌پور (۱۳۸۹)، رهنما و همکاران (۱۳۸۹)، رفیعان و حسینی (۱۳۹۰)؛ غراوی (۱۳۹۱) و علیزاده و همکاران (۱۳۹۴) اشاره کرد که در مطالعات و پژوهش‌های خود به تبیین جایگاه حکمروایی شهری در مدیریت شهرهای امروزی، شاخص‌ها و مؤلفه‌های تبیین‌کننده آن و ضرورت دستیابی به این رویکرد در نظام مدیریتی شهرهای امروزی پرداخته‌اند.

مواد و روش‌ها

مطالعه حاضر از لحاظ هدف‌گذاری کاربردی و از لحاظ روش‌شناسی به صورت «توصیفی-تحلیلی» به انجام رسیده است که از روش پیمایشی به صورت ابزار پرسشنامه جهت گردآوری داده‌ها در آن استفاده شده است. جامعه نمونه پژوهش ۳۸۴ نفر از شهروندان شهر اهواز می‌باشد که بر اساس فرمول عمومی کوکران و به روش تخصیص مناسب با سطح اطمینان ۰/۹۵ درصد، به صورت نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای و تصادفی ساده انتخاب و مورد پرسش قرار گرفته‌اند^{۱۶}. برای تحلیل داده‌های به دست آمده حاصل از نظرات شهروندان و متناسب با اهداف تعیین شده از آزمون آماری T و مدل تحلیل تشخیص (DA) در قالب نرم‌افزار SPSS استفاده شده است. جهت تعیین روایی ابزار پژوهش از نظرات ۱۰ نفر از کارشناسان^{۱۷} استفاده شده است و پایایی سازه‌های به کار رفته در پرسشنامه نیز پس از انجام عمل پیش‌آزمون بر اساس آزمون آلفای کورنباخ به میزان ۰/۷۸ محاسبه شده است (جدول ۱).

9- Dekker & Van Kempen

10- Van Marissing et al

11- Stewart, 2006

12- Kokx & Van Kempen

13 - Sheng

14- Pierre

15- Mc Cann

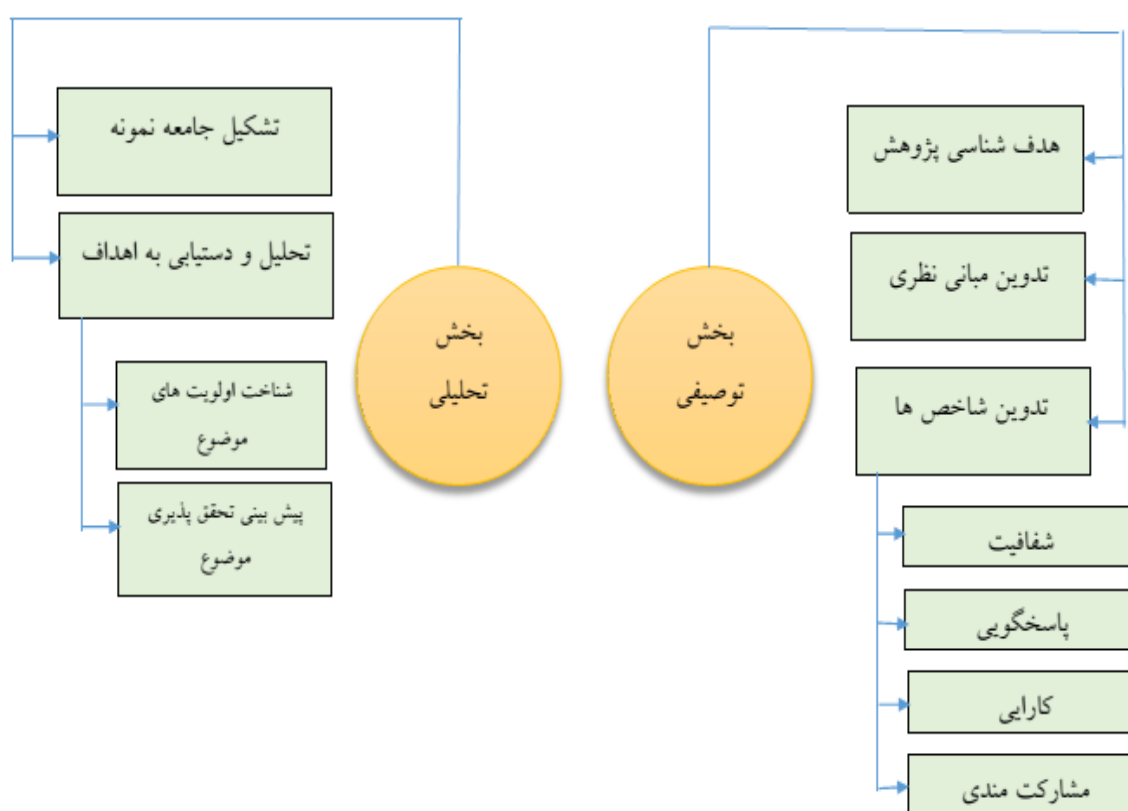
۱۶- جهت تعیین جامعه نمونه مناطق ۸ گانه شهری در اهواز به سه دسته مناطق کوچک، متوسط و بزرگ از لحاظ جمعیتی دسته بندی و از بین آن‌ها

مناطق ۲، ۷ و ۶ به صورت تصادفی به ترتیب به عنوان نماینده مناطق جمعیتی کوچک، متوسط و بزرگ شهری انتخاب و مورد پرسش قرار گرفته‌اند.

۱۷- جهت تعیین روایی سازه‌های پژوهش که شاخص‌ها و متغیرهای پژوهش را تشکیل می‌داد از نظرات ۱۰ نفر از اساتید دانشگاه در رشته‌های برنامه‌ریزی شهری، برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای (شهرسازی) و علوم اجتماعی استفاده شده است.

جدول ۱- میزان پایایی سازه‌های پژوهش

شاخص‌ها	شفافیت	مشارکت مندی	پاسخگویی	کارایی
تعداد گویه	۵	۵	۵	۵
میزان آلفا	۰/۷۴	۰/۷۷	۰/۸۱	۰/۸



شکل ۱: مدل مفهومی فرآیند اجرای تحقیق

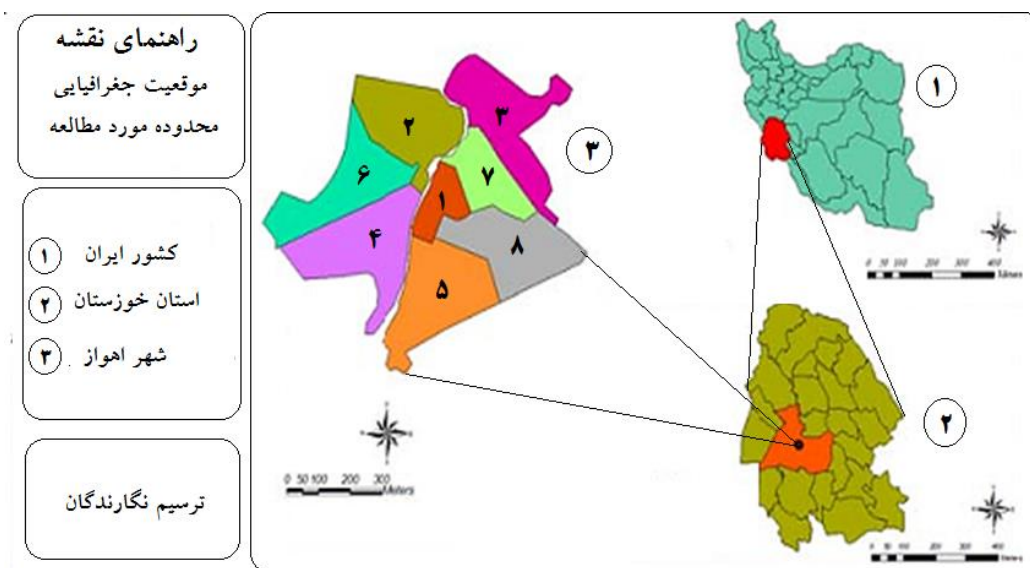
در مطالعات متعددی تقسیم‌بندی‌های گوناگونی از شاخص‌های حکمروایی شهری به عمل آمده است که بسیاری از این شاخص‌ها با هم دیگر هم‌پوشانی نیز دارند (جدول ۲). لذا در مطالعه حاضر با توجه به شرایط مدیریت شهری در شهر اهواز و با نظرسنجی از ۲۰ نفر از مسئولان مدیریت شهری در شهرداری‌های مناطق ۸ گانه شهرداری و اعضای شورای اسلامی شهر چهار شاخص اصلی شفافیت، پاسخگویی، کارایی و مشارکت مندی با ۲۰ متغیر برای هر کدام انتخاب و مورد آزمون قرار گرفته‌اند.

جدول ۲- شاخص‌ها و متغیرهای پژوهش

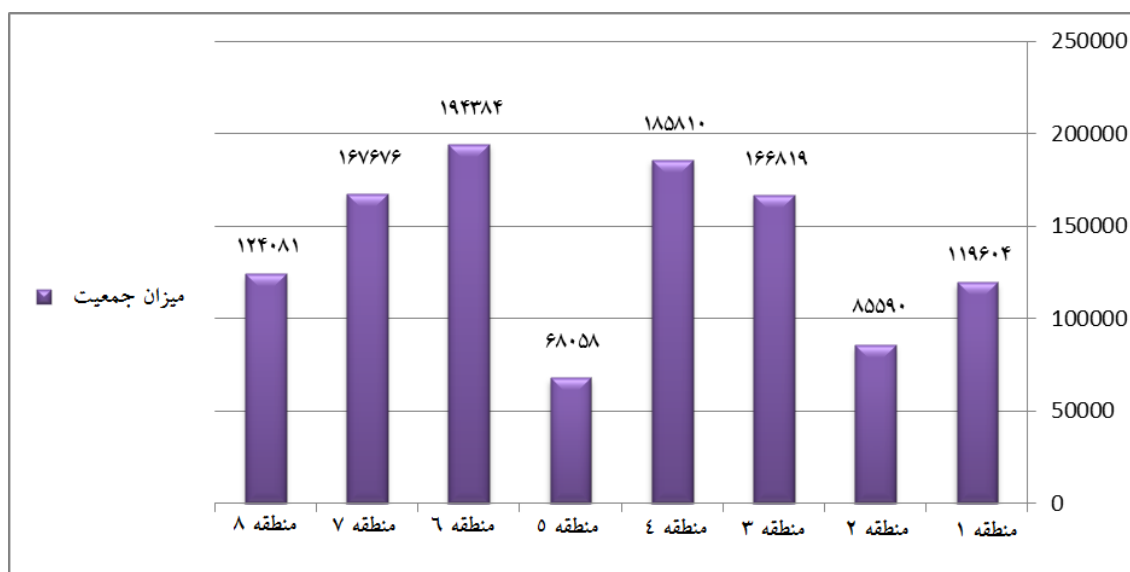
شاخص‌ها	متغیرها
شفافیت	داشتن شفافیت در انتخابات - شفافیت در تخصیص هزینه‌ها و درآمدها - شفافیت در انتخاب کارکنان و مسئولان نهادهای زیرمجموعه - شفافیت در انتقال اطلاعات و ارتباطات مدیریت شهری - شفافیت در تخصیص طرح‌ها و پروژه‌ها در مناطق مختلف شهری
کارایی	داشتن مهارت حل مساله - خلاقیت و رهبری همه جانبه در مدیریت شهری - داشتن توانایی برای برنامه ریزی جهت تغییر شرایط منفی توانایی درآمدزایی برای شهر - توانایی ایجاد گفت‌وگو و ارتباط سازنده با احزاب و تشکل‌های مردمی در شهر
پاسخگویی	پاسخگویی در برابر اقدامات و عملکردها - پاسخگویی در مواقع بحرانی و اتخاذ تصمیمات سازنده - پاسخگویی به مردم در قبال تغییرات حاصل از طرح‌ها و برنامه‌ها - پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری در قبال چالش‌های شهری همچون فقر و اسکان غیررسمی - پاسخگویی و داشتن ارتباط سازنده در رابطه با مسائل اصناف، احزاب و تشکل‌های مدنی و نهادهای خصوصی
مشارکت مدنی	مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها با شهروندان و سایر تشکل‌های مدنی و خصوصی - مشارکت در اجرای طرح‌ها و برنامه‌ها با شهروندان - داشتن رویکرد برنامه‌ریزی مشارکتی و راهبردی در برخورد با چالش‌ها - ارائه اقدامات و برنامه‌های مشارکتی با شهروندان در مورد چالش‌های شهری - اتخاذ رویکرد مشارکتی در نظارت و بازنگری در برنامه‌های مدیریت شهری

شهر اهواز به‌عنوان مرکز استان خوزستان یکی از کلان‌شهرهای کشور می‌باشد که مطابق با سرشماری سال ۱۳۹۰ جمعیتی معادل یک میلیون صد و دوازده هزار نفر جمعیت می‌باشد. این شهر بعد از تهران، مشهد و تبریز چهارمین شهر وسیع ایران به شمار می‌رود. مطابق با آمارنامه شهرداری اهواز این شهر بعد از شهر مشهد با ۳۵ درصد جمعیت حاشیه‌نشین دومین شهر کشور در زمینه حاشیه‌نشینی می‌باشد که یکی از معضلات اصلی مدیریت شهری در این شهر به لحاظ سازمان‌دهی و تأمین منابع می‌باشد و عمدتاً در مناطق ۱ و ۵ و ۶ ساکن هستند.

اکثر جمعیت شهر ترکیبی از قومیت‌های متعدد عرب، لر، فارسی‌زبانان و آذری‌ها می‌باشند که به‌گواه کارشناسان این مسأله یکی از مباحث و چالش‌های پیچیده در بحث مدیریت مشارکتی این شهر می‌باشد (مطالعات میدانی نگارندگان، ۱۳۹۴). این شهر دارای ۸ منطقه شهرداری می‌باشد که بزرگ‌ترین آن از لحاظ جمعیتی منطقه ۶ با ۱۹۴ هزار نفر و کوچک‌ترین منطقه آن از لحاظ جمعیتی منطقه ۵ با ۶۸ هزار نفر می‌باشد. در (شکل ۲) نقشه موقعیت جغرافیایی محدوده مورد مطالعه و در (شکل ۳)، جمعیت مناطق هشت‌گانه شهر اهواز آمده است.



شکل ۲: موقعیت جغرافیایی محدوده مورد مطالعه



شکل ۳: نمودار جمعیت مناطق هشتگانه شهرداری اهواز

منبع: آمارنامه شهرداری اهواز، ۱۳۹۱: ۲۶

مبانی نظری

برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری برای شهرها به‌عنوان عالی‌ترین تجلی سکونتگاه‌های بشری همواره نیازمند بینشی نظام‌مند نسبت به تحولات و چالش‌ها و چشم اندازسازی توسعه آن با نگاه فرآیندی، گام‌به‌گام و راهبردی می‌باشد (گوتدنیور و هیئت‌جستون، ۲۰۱۱: ۶)^{۱۸}. باید اذعان کرد که شهرها سیستم‌های پویا و پیچیده هستند که دائم در حال

تغییر و تحول هستند. این تغییرات اعم از تغییرات در اندازه، کالبد، ساختار اجتماعی، سیستم‌های اقتصادی و شرایط ژئوپلیتیکی می‌باشد که اخیراً تحولات تکنولوژیکی نیز در شهرها در مسیر رسیدن به توسعه نقش عمده‌ای ایفا می‌کند (استوارت، ۲۰۰۶: ۱۰۹)^{۱۹}. امروزه با فرآیند جهانی‌سازی و گسترش ارتباطات، ظهور نهضت‌های اجتماعی چون جوامع مدنی، بخش‌های خصوصی، فشار و خواست اذهان عمومی و علمی برای ایجاد روند مشارکت‌پذیری نهادهای مدیریتی در تمام سطوح به‌خصوص شهرها، تعاریف سنتی از روند مدیریت دچار تحول گردیده و حتی رویکرد مشارکت شهر به شهر را نیز مطرح ساخته است (علیزاده و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۰۹). دیدگاه‌های جدید در فرآیند مدیریت شهری نشان می‌دهد که مباحثی مانند مدیریت شهری چند لایه با رهیافت مشارکتی، حکمروایی کلان‌شهری، مدیریت استراتژیک شهری در مقابل رهیافت حکومت محور و متمرکز شهری، حکمروایی شهری چند هسته‌ای، به دنبال رسیدن به نگاه مشارکتی، انعطاف‌مند و مسئولیت‌پذیر هستند که خود کلید اصلی مواجهه با چالش‌های متنوع شهری در عصر امروز می‌باشد (هندریکس، ۲۰۱۳: ۵۵۴)^{۲۰}.

تحولات مربوط به رویکردهای مدیریت شهری نشان می‌دهد که مدیریت شهری امروزه از حالت متمرکز و غیر شفاف خود به‌عنوان ویژگی‌های درون‌سازمانی مدیریت شهری در دیدگاه سنتی آن خارج شده و پس از آزمون رویکردهای متنوعی در متن جوامع شهری به رویکردهای پایدار گرایش پیدا کرده که مهم‌ترین آن‌ها تحول از درون و کارایی نهادی در کنار انعطاف‌پذیری و مردم‌محوری است که آن را به سمت تحول و ایجاد تغییرات مثبت در مناسبات برون‌سازمانی هدایت می‌کند. (جدول ۳) سیر تحول رویکردهای مدیریت شهری از دهه ۷۰ قرن بیستم تا آغاز هزاره جدید را نشان می‌دهد.

جدول ۳- سیر تحول رویکردهای مدیریت شهری

مشخصه‌های عملکردی	رویکردها
برنامه‌ریزی بلندمدت و جامع برای تأمین خدمات در مقیاس وسیع	رویکرد عرضه محور (۱۹۷۰)
مداخله در قالب پروژه‌های کوچک آزمایشی، مداخله در قالب اجتماعات محلی خودیار	رویکرد پروژه گرا (۱۹۸۰)
تأکید بر ظرفیت‌سازی محلی و تقویت نهادی سازمانی برای مدیرت‌فرآیند توسعه شهری	رویکرد بلندمدت نگر (۱۹۹۰)
تأکید بر توسعه نهادی و مداخلات جامعه مدنی، بخش خصوصی، مشارکت و انعطاف مندی	رویکرد حکمروایی شهری (۲۰۰۰)

منبع: (برک پور و اسدی، ۱۳۸۸؛ ۹۲؛ علیزاده و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۱۱).

دیدگاه‌های مطرح شده از اوایل دهه ۶۰ قرن بیستم نشان می‌دهد که تحولات در زمینه ساختار مدیریت شهری به خصوص در شهرهای بزرگ در ابتدا از ساختار درونی سازمان‌های مدیریتی در شهرها پیشنهاد گردید که رفته‌رفته تا اواخر قرن بیستم مشخص گردید که صرفاً پرداختن به عوامل و ویژگی‌های درونی نظام مدیریت شهری نمی‌تواند پاسخگو و ارائه دهنده رهیافت پایدار برای اداره امور شهرها باشد (برنر، ۲۰۰۳: ۲۹۹).^{۲۱}

در واقع چاره کار به‌کارگیری هم‌زمان تحولات هم در ساختار درونی و هم در ساختار، مناسبات و روابط بیرونی مدیریت شهری بود که با اصول پایدار خود را تحت عنوان ساختار مدیریتی چند لایه و انعطاف‌مند نشان می‌داد. چنین رویکردی همان رویکرد حکمروایی شهری بود و مشخصه‌هایی که می‌توانست چنین رویکردی را نهادینه کند نیاز به تعریف شاخص‌هایی برای نشان دادن تحول در ساختار درونی و به همان نسبت برای تحول در مناسبات و نگرش‌های بیرونی داشت که در سطوح مختلف و با توجه به نیازهای محلی متفاوت بود (بانک جهانی، ۲۰۰۸: ۲۳). در این راستا بانک جهانی ضمن تشریح تغییرات ایجاد شده در راستای ارتقا مدیریت متمرکز در شهرها به سمت حکمروایی شهری این تغییرات را اول از همه در مناسبات، ساختار و مشخصه‌های درونی مدیریت شهری عنوان کرده و شاخص‌هایی چون شفافیت، کارایی، قانون مداری، مسئولیت‌پذیری و روحیه مشارکت‌مندی را از جمله این تغییرات در راستای تحول در مناسبات درونی مدیریت شهری دانسته است (همان، ۲۴).

حکمروایی شهری در حقیقت کاربست مدیریت راهبردی در عرصه مدیریت شهری بود که لزوم پیاده‌سازی آن، تحول در ساختارهای درون‌سازمانی یعنی از سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، رفتار سازمانی و ویژگی‌های مدیریتی گرفته تا ساختارهای برون‌سازمانی یعنی تفکر راهبردی در ارتباط‌پذیری و مشارکت‌مندی را در بر می‌گیرد (شنگ، ۲۰۱۰: ۱۳۳).^{۲۲} رویکرد جدید ارائه شده در مدیریت شهری کشورهای پیشرفته، در واقع متکی به رویکرد سیستمی و چرخه‌ای در فرآیند برنامه‌ریزی بود و از مشارکت و شفافیت به‌عنوان مؤلفه‌های اصلی پیشبرد اهداف خود استفاده می‌کرد و یک سازمان‌دهی نوین و منعطف بین ارتباطات متقابل و کنش‌های اجتماعی، بخش خصوصی و مدیریت شهر است. این ساختار چند لایه، سیستمی برای شهر تدارک می‌بیند که مردم و بخش‌های دیگر اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی در چیدمان اعضای سیاست‌گذار و هدایت‌گر مداخله مستقیم داشته و مشارکت همه جانبه در تصمیم‌سازی‌ها دارند (مک کان، ۲۰۱۶: ۳۱۴).^{۲۳}

خصیصه اصلی تفاوت بین حکمروایی شهری و مدیریت شهری در حقیقت در به‌کارگیری مفاهیم حکومت با حکمروایی می‌باشد. دو واژه مفهومی متفاوت که سبک مدیریتی و برنامه‌ریزی خاص را به نمایش می‌گذارند که جدا کننده دو شیوه نظری قبل از دهه ۹۰ قرن بیستم و بعد از آن در عرصه مدیریت شهری می‌باشند (علیزاده و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۱۷). در (جدول ۴) تفاوت‌های نگرشی این دو مقوله را می‌توان مشاهده کرد.

جدول ۴- حکومت و حکمروایی، رهیافت‌ها و نگرش‌ها

مؤلفه‌ها	حکومت	حکمروایی
بازیگران	تعداد بسیار محدود مشارکت‌کنندگان عوامل اجرایی اساساً دولتی	کثرت مشارکت‌کنندگان جامعه مدنی و بخش خصوصی به‌عنوان بازیگران اصلی
کارکردها	مشاوره‌ای صورت نمی‌گیرد همکاری در طرح‌ها وجود ندارد	مشاوره و نظرخواهی از ذینفعان تعامل و همکاری در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری‌ها
ساختار	مرزهای بسته عضویت غیرارادی تعیین از طرف هرم قدرت	مرزهای باز عضویت ارادی و داوطلبانه مشارکت به‌عنوان یک مسئولیت
روابط متقابل	اقتدار سلسله‌مراتبی مناسبات تنش‌گرا و متضاد عدم شفافیت	انعطاف‌پذیری و خود اصلاحی روابط همکاری و همیاری نگر شفافیت در چرخه‌ها و جریان‌ها
توزیع قدرت	تسلط و رویکرد اقتدارمآبانه دولت گروه‌های اجتماعی نقشی در دولت ندارند تعامل ارتباطی، اطلاعاتی و مشارکتی بین نقش‌آفرینان وجود ندارد	آزادی عمل کمتر دولت وجود تعامل و هم‌زیستی بین بازیگران اصلی سیستم نفوذ پراکنده ذینفعان و تصمیم‌سازان

منبع: (اسجواب و همکاران، ۲۰۰۱: ۱۱۱؛ علیزاده و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۱۸).

بنابراین آشکار است که به‌کارگیری رهیافت حکمروایی شهری در فرآیند مدیریتی شهرها تا چه میزان می‌تواند راهگشای چالش‌های درونی و برونی مدیریت شهری باشد و شهرها را به سمت مشارکت مندی، پایداری و اعتماد متقابل تمام ذینفعان آن سوق دهد.

یافته‌ها و بحث

در مرحله تحلیل داده‌های به‌دست آمده پژوهش ابتدا سعی گردید تا اولویت و اهمیت شاخص‌های حکمروایی شهری جهت بهبود وضعیت آن و کاربست آن در مدیریت شهری اهواز از دیدگاه شهروندان مورد ارزیابی قرار گیرد. برای این کار از تحلیل‌های آماری آزمون T استفاده شده است. در این مرحله ابتدا به محاسبه مقدار ویژه، انحراف از معیار و اختلاف از میانگین متغیرهای شاخص‌های چهارگانه پرداخته شده است که به‌ترتیب در (جداول ۵ تا ۸) آمده است.

جدول ۵- میزان تأثیر متغیرهای شاخص شفافیت در مدیریت شهری اهواز

رتبه	اختلاف از میانگین	انحراف از معیار	مقدار ویژه	متغیرها	شاخص
۳	۰/۱۰۸	۰/۹	۱/۹۲	داشتن شفافیت در انتخابات	شفافیت
۲	۰/۱۰۵	۰/۸۷	۱/۹۳	شفافیت در تخصیص هزینه‌ها و درآمدها	
۵	۰/۱۱۷	۱/۰۴	۱/۶۷	شفافیت در انتخاب کارکنان و مسئولان نهادهای زیرمجموعه	
۴	۰/۱۱	۰/۹۳	۱/۹	شفافیت در انتقال اطلاعات و ارتباطات مدیریت شهری	
۱	۰/۰۹۹	۰/۸۵	۱/۹۵	شفافیت در تخصیص طرح‌ها و پروژه‌ها در مناطق مختلف شهری	

بر اساس نتایج (جدول ۵) ارزیابی متغیرهای شاخص شفافیت نشان می‌دهد که بر مبنای مقدار ویژه به‌دست آمده، شفافیت در تخصیص طرح‌ها و پروژه‌ها در مناطق مختلف شهری، شفافیت در تخصیص هزینه‌ها و درآمدها و شفافیت در انتخابات از جمله متغیرهایی هستند که از دیدگاه شهروندان دارای اولویت بیشتری در جهت بهبود شاخص شفافیت در مدیریت شهری اهواز قلمداد شده‌اند.

جدول ۶- میزان تأثیر متغیرهای شاخص کارایی در مدیریت شهری اهواز

رتبه	اختلاف از میانگین	انحراف از معیار	مقدار ویژه	متغیرها	شاخص
۵	۰/۱۱۷	۱/۰۴	۲/۳۹	داشتن مهارت حل مساله	کارایی
۴	۰/۱۱۴	۰/۹۸	۲/۴۲	خلاقیت و رهبری همه‌جانبه در مدیریت شهری	
۱	۰/۹۸	۰/۸۳	۲/۵۶	داشتن توانایی برای برنامه‌ریزی جهت تغییر شرایط منفی	
۲	۰/۱۰۲	۰/۸۸	۲/۵۴	توانایی ایجاد فرصت جهت درآمدزایی برای شهر	
۳	۰/۱۰۹	۰/۹۲	۲/۵۳	توانایی ایجاد گفت‌وگو و ارتباط سازنده با احزاب و تشکل‌های مردمی در شهر	

نتایج (جدول ۶) نشان می‌دهد که از دیدگاه شهروندان در بحث شاخص کارایی توجه به متغیرهایی چون داشتن توانایی برای برنامه‌ریزی جهت تغییر شرایط منفی از سوی مدیران شهری، توانایی ایجاد فرصت جهت درآمدزایی برای شهر از سوی مدیران شهری و توانایی ایجاد گفت‌وگو و ارتباط سازنده با احزاب و تشکل‌های مردمی شهر از

سوی مدیران شهری در شهر اهواز بایستی در اولویت قرار گیرد تا بتوان از بهبود روند شاخص کارایی در مدیریت شهری اهواز حرف زد.

جدول ۷- میزان تأثیر متغیرهای شاخص پاسخگویی در مدیریت شهری اهواز

رتبه	اختلاف از میانگین	انحراف از معیار	مقدار ویژه	متغیرها	شاخص
۴	۱/۲۸	۱/۲۵	۲/۲۱	پاسخگویی در برابر اقدامات و عملکردها	پاسخگویی
۳	۱/۲۲	۱/۱۸	۲/۲۴	پاسخگویی در مواقع بحرانی و اتخاذ تصمیمات سازنده	
۲	۱/۰۹	۱/۰۱	۲/۳	پاسخگویی به مردم در قبال تغییرات حاصل از طرح‌ها و برنامه‌ها	
۱	۱/۰۳	۰/۹۶	۲/۳۲	مسئولیت‌پذیری در قبال چالش‌های شهری همچون فقر و اسکان غیررسمی	
۵	۱/۳۱	۱/۲۷	۲/۲	پاسخگویی در رابطه با مسائل اصناف، احزاب و تشکل‌های مدنی و نهادهای خصوصی	

بر اساس نتایج (جدول ۷)، دیدگاه شهروندان در رابطه با متغیرهای دستیابی به شاخص پاسخگویی به‌عنوان یکی از شاخص‌های حکمروایی شهری در مدیریت شهری اهواز نشان می‌دهد که در این مسیر بر اساس مقدار ویژه به‌دست آمده، مسئولیت‌پذیری در قبال چالش‌های شهری همچون فقر شهری و اسکان غیررسمی در شهر، پاسخگویی به مردم در قبال تغییرات حاصل از طرح‌ها و برنامه‌ها در شهر و همچنین پاسخگویی در مواقع بحرانی و اتخاذ تصمیمات سازنده از مهم‌ترین متغیرهای این شاخص هستند که باید بسترهای مناسب برای پیاده‌سازی آن‌ها جهت دستیابی به رویکرد حکمروایی اتخاذ گردد.

جدول ۸- میزان تأثیر متغیرهای شاخص مشارکت مدنی در مدیریت شهری اهواز

رتبه	اختلاف از میانگین	انحراف از معیار	مقدار ویژه	متغیرها	شاخص
۲	۱/۰۱	۱/۰۵	۲/۳۵	مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها با شهروندان و سایر تشکل‌های مدنی و خصوصی	مشارکت مدنی
۵	۱/۲۸	۱/۳۱	۲/۳	مشارکت در اجرای طرح‌ها و برنامه‌ها با شهروندان	
۴	۱/۱۸	۱/۲۶	۲/۳۱	داشتن رویکرد برنامه‌ریزی مشارکتی و راهبردی در برخورد با چالش‌ها	
۱	۰/۹۷	۱/۰۲	۲/۳۶	ارائه اقدامات و برنامه‌های مشارکتی با شهروندان در مورد چالش‌های شهری	
۳	۱/۱۲	۱/۱۶	۱/۳۲	اتخاذ رویکرد مشارکتی در نظارت و بازنگری در برنامه‌های	
				مدیریت شهری	

بر مبنای نتایج (جدول ۸)، سنجش میزان تأثیر و اولویت متغیرهای شاخص مشارکت مندی نشان می‌دهد که ارائه اقدامات و برنامه‌های مشارکتی با همراهی شهروندان در مواجهه با چالش‌های شهری، مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها با شهروندان و سایر تشکلهای مدنی و خصوصی و اتخاذ رویکرد مشارکتی در نظارت و بازنگری در برنامه‌ها و طرح‌های مدیریت شهری از مهم‌ترین متغیرهای این شاخص می‌باشند که در پیشبرد مدیریت شهری به سمت حکمروایی شهری از لحاظ مشارکت مندی آن مؤثر و مهم قلمداد شده‌اند. در ادامه فرآیند ارزیابی اولویت شاخص‌های حکمروایی شهری از دیدگاه شهروندان در (جدول ۹) به اولویت‌بندی شاخص‌های چهارگانه حکمروایی بر اساس تحلیل‌های صورت گرفته بر روی متغیرهای آن‌ها با توجه به مقدار ویژه، درصد واریانس مقدار ویژه و واریانس تجمعی کسب شده اقدام شده است.

جدول ۹- اولویت‌بندی تأثیر شاخص‌های حکمروایی شهری بر مدیریت شهری اهواز

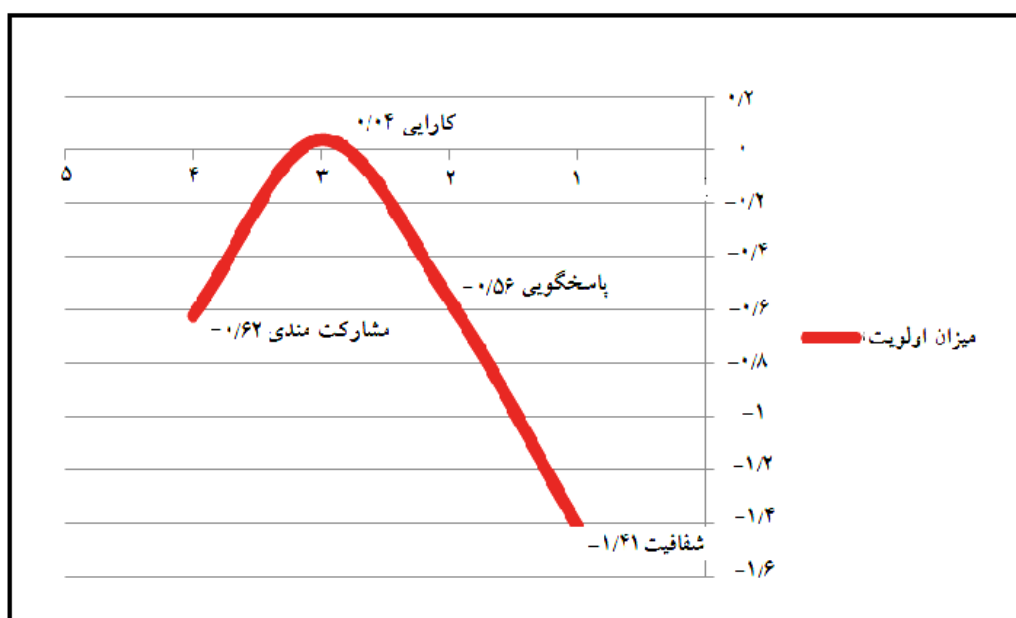
شاخص	مقدار ویژه	درصد واریانس مقدار ویژه	درصد واریانس تجمعی
شفافیت	۱/۰۹	۲۱/۲۱	۲۱/۲۱
پاسخگویی	۱/۹۴	۲۰/۳۴	۴۱/۵۵
کارایی	۲/۵۴	۲۳/۰۲	۶۴/۵۷
مشارکت مندی	۱/۸۸	۱۹/۹	۸۴/۴۷

در مجموع شاخص‌های چهارگانه حکمروایی، ۸۴ درصد از تغییرات در فرآیند مدیریت شهری را تبیین کرده و در این بین شاخص کارایی با توجه به مقدار ویژه به دست آمده برای آن وضعیت بهتری نسبت به دیگر شاخص‌ها دارد. از سوی دیگر نتایج این جدول نشان می‌دهد که شاخص شفافیت با توجه به همین مقدار ویژه به دست آمده دارای وضعیت مناسبی در فرآیند مدیریت شهری اهواز نمی‌باشد. نتایج (جدول ۱۰) نیز این مسأله را تأیید کرده و بر اولویت بهبود وضعیت این شاخص تأکید دارد.

جدول ۱۰- نتایج آماره T برای اولویت‌بندی شاخص‌های حکمروایی شهری در مدیریت شهری اهواز

مقدار میانگین مبنا: ۲/۵						شاخص‌ها
با سطح اطمینان ۹۵٪						
معنی‌داری	بیش‌ترین	کم‌ترین	اختلاف از میانگین	df	T	
۰/۰۰۳	-۰/۸۳	-۱/۹۹	-۱/۴۱	۳۸۳	-۱/۸۹	شفافیت
۰/۰۰۲	-۰/۱۸	-۰/۹۴	-۰/۵۶	۳۸۳	-۰/۸۳۴	پاسخگویی
۰/۰۰۱	۰/۰۷	۰/۰۱	۰/۰۴	۳۸۳	۰/۱۳۱	کارایی
۰/۰۰۰	-۰/۹۲	-۰/۳۲	-۰/۶۲	۳۸۳	-۱/۰۰۲	مشارکت مندی

یافته‌های (جدول ۱۱) نشان می‌دهد که با توجه به میزان اختلاف از میانگین شاخص‌ها، فقط شاخص کارایی با اندک اختلاف مثبت از میانگین مبنا دارای شرایط نسبتاً بهتری در مدیریت شهری اهواز از دیدگاه شهروندان می‌باشد. نتایج به‌دست آمده برای ۳ شاخص شفافیت، پاسخگویی و مشارکت مندی وضعیت نامناسب آن‌ها را در مدیریت شهری اهواز نشان می‌دهد. در این بین شاخص شفافیت با میزان اختلاف از میانگین پایین‌تری نسبت به دیگر شاخص‌ها، دارای شرایط نامناسب‌تری نسبت به سایر شاخص‌ها بوده و متعاقباً دارای اولویت بیش‌تری برای پرداخت به بهبود شرایط آن در روند مدیریت شهری اهواز می‌باشد (شکل ۴). این نتایج نشان می‌دهد که از دیدگاه شهروندان شاخص‌های حکمروایی شهری دارای وضعیت نامناسبی در مدیریت شهری اهواز می‌باشد که نیازمند ممارست در بهبود و ارتقاء شرایط آن‌ها می‌باشد. البته در این بین سهم شاخص شفافیت بیش‌تر از بقیه شاخص‌ها می‌باشد.



شکل ۴: نمودار میزان اولویت شاخص‌های حکمروایی شهری در مدیریت شهری اهواز

در ادامه فرآیند پژوهش، پیش‌بینی تحقق رویکرد حکمروایی شهری در فرآیند مدیریت شهری اهواز با توجه به شاخص‌های مطرح شده برای آن مورد تحلیل قرار گرفت. جهت انجام این مرحله از پژوهش از مدل تحلیل تشخیص در قالب نرم‌افزار SPSS استفاده گردید. در این تحلیل برای تدارک متغیر ملاک، بایستی شاخص‌ها طبقه‌بندی شوند. بنابراین با استفاده از میزان اختلاف از میانگین به‌دست آمده در آزمون T به طبقه‌بندی نتایج حاصل از متغیرهای ۲۰ گانه شاخص‌های شفافیت، پاسخگویی، کارایی و مشارکت مندی اقدام شد. در این طبقه‌بندی متغیرهایی با میانگین کم‌تر از میانگین مبنا به‌دست آمده با عدد صفر یا نامناسب و متغیرهای شاخص‌های با میانگین کسب شده بالاتر از میانگین مبنا به‌دست آمده با عدد ۱ یعنی مناسب طبقه‌بندی شدند.

جدول ۱۱- آماره تحلیل واریانس یک طرفه تحلیل تشخیص تحقق‌پذیری حکمروایی شهری

معنی داری	Df2	Df1	F	میزان لامبدای ویلکز (Wilks Lambda)	شاخص‌ها
۰/۰۰۰	۳۸۲	۲	۳۷/۱۴	۰/۶۲۱	شفافیت
۰/۰۰۰	۳۸۲	۲	۲۳/۲۳	۰/۵۰۱	پاسخگویی
۰/۰۰۰	۳۸۲	۲	۱۶/۱۷	۰/۴۱۶	کارایی
۰/۰۰۰	۳۸۲	۲	۳۱/۰۴	۰/۵۸۸	مشارکت مندی

در تحلیل واریانس یک طرفه در مدل تحلیل تشخیص مهم‌ترین آماره میزان لامبدای ویلکز می‌باشد. در این آماره هر چه میزان لامبدا به عدد یک نزدیک‌تر باشد قدرت پیش‌بینی آن شاخص نیز کاهش می‌یابد. بنابراین نتایج به‌دست آمده برای شاخص‌ها در این بخش نشان می‌دهد که شاخص کارایی با میزان ۰/۴۱۶ کم‌ترین میزان لامبدا را برخوردار می‌باشد. در این بخش شاخص شفافیت بیش‌ترین میزان لامبدا را از آن خود کرده و متعاقباً از قدرت پیش‌بینی پایین‌تری نیز برخوردار است. نتایج حاصل از این آماره در تحلیل نهایی مدل تحلیل تشخیص و میزان پیش‌بینی کلی نیز در (جدول ۱۲) تأیید شده است.

جدول ۱۲- آماره تحلیل تشخیص برای پیش‌بینی حکمروایی شهری در مدیریت شهری اهواز

شاخص‌ها	میزان لامبدای ویلکز	درصد واریانس کلی % of Variance	مربع کای Chi-square	میزان پیش‌بینی کلی	سطح معنی‌داری
شفافیت	۰/۴۵۵	۸۸/۴	۶۷/۳۶	۰/۱۴۸	۰/۰۰۰
پاسخگویی				۰/۲۳۵	۰/۰۰۰
کارایی				۰/۳۹۱	۰/۰۰۰
مشارکت مندی				۰/۱۹۲	۰/۰۰۰

نتایج حاصل از آماره تحلیل تشخیص نشان می‌دهد که شاخص کارایی با توجه به میزان پیش‌بینی کلی به‌دست آمده، بیش‌ترین میزان را در پیش‌بینی تحقق رویکرد حکمروایی شهری در مدیریت شهری اهواز برخوردار هست. در این بین شاخص شفافیت نیز کم‌ترین نقش را در این برآورد دارد. نتایج به‌دست آمده برای میزان پیش‌بینی کلی شاخص‌ها نمی‌تواند در مدیریت شهری اهواز رضایت بخش باشد. این مسأله به علت پایین بودن این میزان از میزان ۰/۵ که نیمی از درصد پیش‌بینی کلی است می‌باشد. حتی مناسب‌ترین شاخص که شاخص کارایی است در این زمینه

نیز از این میزان مبنا فاصله دارد. از سوی دیگر بایستی اشاره کرد که مقدار ویژه به دست آمده در این آماره نشان می‌دهد که مدل تحلیل تشخیص در ارزیابی میزان پیش‌بینی شاخص‌ها از تحقق رویکرد حکمروایی شهری در مدیریت شهری اهواز به میزان ۰/۸۳ موفق عمل کرده است. مطابق با مطالعات صورت گرفته در زمینه حکمروایی شهری (بانک جهانی، ۲۰۰۸؛ برک پور و اسدی، ۱۳۸۸؛ استوار، ۲۰۰۶)، مهم‌ترین مقوله در زمینه پیاده‌سازی حکمروایی شهری، شناخت شاخص‌ها و مؤلفه‌های آن و ایجاد راهکارهایی برای پذیرش آن از سوی مدیریت شهری در جهت تغییر رفتار سازمانی خود و آگاهی از امر خطیر مشارکت و همیاری توسط جامعه مدنی و بخش خصوصی به عنوان دو فرض عمده است. مطالعاتی چون (بنتنابل، ۲۰۰۹) نیز از سوی دیگر نشان می‌دهد که حکمروایی شهری مناسب‌ترین گزینه و سیاست برای مدیریت شهری جهت مقابله با فقر شهری و ترویج اقتصاد پایدار (دی اولیویرا و همکاران، ۲۰۱۳)^{۲۵} و گسترش روز افزون شهری و متعاقب آن چالش‌های زیست‌محیطی و کالبدی آن است. نگاه این مطالعه بر مشارکت شهر به شهر در زمینه پیاده‌سازی شاخص‌های حکمروایی شهری است. در مقایسه با مطالعات صورت گرفته نتایج مطالعه حاضر بر روی خود شاخص‌ها و مؤلفه‌ها برای نشان دادن ضعف و قوت‌ها از طریق اولویت‌بندی و پیش‌بینی چشم‌انداز حکمروایی شهری در مدیریت شهری اهواز متمرکز شده است. نتایج نشان می‌دهد برای تمرکز بر شناسایی نقاط ضعف و قوت وضعیت نمایه‌گرها و شاخص‌های حکمروایی شهری جهت تحقق آن در مدیریت شهری اهواز از طریق اولویت‌بندی آن‌ها، می‌توان به شاخص شفافیت به عنوان مهم‌ترین شاخص در این زمینه اشاره کرد و ثانیاً برای پیش‌بینی وضعیت حکمروایی در فرآیند مدیریت شهری اهواز مناسب‌ترین شاخص در حال حاضر با توجه به نتایج این مطالعه شاخص کارایی می‌باشد.

نتیجه‌گیری

از جمله مهم‌ترین چالش‌های مدیریت شهری در کشورهای در حال توسعه هم زمان با فرآیند برنامه‌ریزی، تمرکزگرایی در نظام تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها، پیروی از رهیافت‌های سنتی منسوخ، عدم اقبال برای نهادینه‌سازی رویکردهای جدید مدیریتی و برنامه‌ریزی در مدیریت شهری و عدم تلاش برای شکست تسلط‌گرایی نگاه از بالا به پایین در روند تعریف، تبیین و اجرای برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌هاست. رهیافت حکمروایی شهری به عنوان یکی از رهیافت‌های نوین در فرآیند مدیریت شهری از اوایل دهه ۹۰ قرن بیستم نویدبخش مشارکت و چرخه‌ای سازی تصمیم‌گیری‌ها بین مدیریت هدایت‌گر، جامعه شهروندی و بخش خصوصی گردیده که با توجه به مشکلات عدیده شهرها در کشورهای در حال توسعه و همراهی این مسأله با شتاب نگران‌کننده شهرنشینی و شهرگرایی، می‌تواند با توجه به شاخص‌ها و اصول تعریف شده برای آن یکی از رویکردهای بسیار راهگشا باشد. نظام مدیریت شهری در شهرهای ما نیز به صورت دقیق‌تر و با توجه به شاخص‌های مطرح شده برای رویکرد حکمروایی شهری، درگیر چالش‌های متعددی در حوزه مدیریت شهری چه در زمینه مؤلفه‌های درون‌سازمانی

مدیریت شهری و چه در زمینه عوامل خارجی آن است. این فضای حاکم را می‌توان در فرآیند مدیریت شهری اهواز نیز مشاهده کرد که از چالش‌های متعددی به جهت شاخص‌های مطرح کننده حکمروایی شهری در آن برخوردار است. این ادعا را می‌توان با توجه به شاخص‌ها و متغیرهای مطرح شده برای ارزیابی رویکرد حکمروایی شهری از دیدگاه شهروندان و نتایج به‌دست آمده برای آن مشاهده کرد. به‌طوری که نتایج حاصل از آزمون تحلیلی T نشان داد که به غیر شاخص کارایی که با اختلاف ناچیزی در حول میانگین مبنا قرار داشت، شاخص‌های شفافیت، پاسخگویی و مشارکت‌مندی از دیدگاه شهروندان در مدیریت شهری اهواز دارای وضعیت نامطلوبی می‌باشد. در این بین البته شاخص شفافیت با توجه به متغیرهای تشکیل دهنده آن وضعیت نامطلوب‌تری را نسبت به بقیه شاخص‌ها از خود نشان داد. پیش‌بینی فرآیند حکمروایی شهری با توجه به این شاخص‌ها در فرآیند مدیریت شهری اهواز نیز پیش‌بینی قابل قبولی را برای شاخص‌ها نشان نمی‌دهد. علیرغم این‌که شاخص کارایی بیش‌تر از بقیه شاخص‌ها در پیش‌بینی تحقق رویکرد حکمروایی شهری در فرآیند مدیریت شهری اهواز نقش دارد ولی این میزان کم‌تر از نیمی از آن چیزی است که در تحلیل تشخیص به‌عنوان مبنا برای پیش‌بینی کلی قلمداد می‌گردد. بنابراین می‌توان چنین استنباط کرد که جهت تحقق رویکرد حکمروایی شهری در مدیریت شهری اهواز، ممارست در جهت بسترسازی شرایط برای تحقق شاخص‌های آن به‌خصوص شاخص شفافیت که در مطالعه حاضر از دیدگاه شهروندان نیز کم‌ترین میزان را دارا بود از اولویت‌های اولیه خواهد بود.

منابع

- اسکندری ثانی، محمد؛ سجادی، ژیلا (۱۳۹۳)، «کنش جمعی، توسعه اجتماعات محلی و نقش آن‌ها در کاهش فقر شهری مورد شناسی: نعمت‌آباد تهران»، *فصلنامه جغرافیا و آمایش شهر-منطقه‌ای*، شماره ۱۱، صص ۴۸-۳۱.
- آخوندی، عباس؛ برک‌پور، ناصر (۱۳۸۹)، «راهبردهای استقرار نظام حکمروایی در منطقه کلان‌شهری تهران»، *نشریه راهبرد*، شماره ۵۷، صص ۳۲۴-۲۹۷.
- برک‌پور، ناصر؛ اسدی، ایرج (۱۳۸۹)، «مدیریت و حکمروایی شهری»، تهران، انتشارات دانشگاه هنر تهران.
- بمانیان، محمدرضا؛ رضایی‌راد، هادی؛ مهردادیان، امیر (۱۳۹۰)، «سنجش اثرات مهاجرت به‌عنوان مهم‌ترین عامل در تشخیص گستره‌ی فقر شهری سکونتگاه‌های غیررسمی با استفاده از GIS (مطالعه موردی: شهر کاشمر)»، *فصلنامه جغرافیایی آمایش محیط*، شماره ۱۵، صص ۱۳۹-۱۲۵.
- تقوایی، علی‌اکبر؛ تاجدار، رسول (۱۳۸۹)، «درآمدی بر رویکرد حکمروایی شهری با رویکردی تحلیلی»، *فصلنامه مدیریت شهری*، شماره ۳۳، صص ۵۸-۴۸.
- رفعیان، مجتبی؛ حسینی، محمود (۱۳۹۰) «درآمدی بر رویکرد حکمروایی شهری و تجربیات کشورهای مختلف در آن»، تهران، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.
- رهنما، محمدرحیم؛ مافی، عزت‌اله؛ اسدی، روح اله (۱۳۸۹)، «تحلیل جایگاه حکمروایی خوب شهری در مشهد با الگوی SWOT»، *دو فصلنامه جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای*، شماره ۱۵، صص ۲۱۶-۱۹۷.
- علیزاده، هادی؛ نعمتی، مرتضی؛ رضایی جعفری، کامران (۱۳۹۴)، «تحلیلی بر معیارهای حکمرانی خوب شهری با استفاده از تحلیل سلسله مراتبی فازی»، *فصلنامه مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای*، شماره ۲۴، صص ۱۲۸-۱۰۵.
- غراوی، بای محمد (۱۳۹۱)، «نگاهی به مفهوم حکمروایی شهری، هدف‌ها، مدل‌ها و شاخص‌های آن»، *فصلنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی*، شماره ۲۸۹، صص ۲۰۵-۱۹۸.
- محمدی‌ده‌چشمه، مصطفی؛ علیزاده، هادی (۱۳۹۳)، «سنجش شاخص‌های توسعه پایدار منطقه‌ای در استان آذربایجان غربی با بهره‌گیری از مدل تحلیل تشخیص و نشانگرهای فازی»، *دو فصلنامه اقتصاد و توسعه منطقه‌ای*، شماره ۷، صص ۷۶-۵۱.
- مهدی‌زاده، جواد (۱۳۸۵)، «برنامه‌ریزی راهبردی توسعه شهری، تجربیات اخیر جهانی و جایگاه آن در ایران». چاپ چهارم، تهران، انتشارات پیام سیماگران.
- Bontenbal, M., (2009), "Strengthening urban governance in the south through city-to-city cooperation: toward an analytical framework", *Habitat International*, 33: 181-189.
- Brenner, N., (2003), "Metropolitan institutional reform and the rescaling of state in contemporary western Europe", *Europe urban and regional studies*, 10: 297-332

- DE Oliveira, J., Doll, C., Balaban, O., (2013), "Green economy and governance in cities: assessing good governance in key urban economic processes", *Journal of Cleaner Production*, 58: 138-152.
- Gottdiener, G., Hutchison, R., (2011) ,"*The New Urban Sociology*", 4th edition, London, west view press.
- Haus, M., Klausen, J., (2010), "Urban leadership and community involvement: ingredients for good governance", *Urban Affairs Review* , 47: 256-279.
- Hendriks, F., (2013), "Understanding good urban governance, essentials, shifts and values", *Urban Affairs Review*, 50: 553-576
- Kokx, A., Van Kempen, R., (2010), "Dutch urban governance: multi-level or multi-scaler", *European Urban and Regional Studies*, 17: 355-369
- Mc Cann, E., (2016), "Governing urbanism: urban government studies 1.0,2.0 and beyond", *Urban Studies*, 54: 312-326
- Pierre, J., (2014), "Can urban regime travel in time and space? urban regime theory, urban governance theory, and comparative urban politics", *Urban Affairs Review*, 50: 864-889
- Rakodi, C., (2003), "Politic and performance: the implication of emerging governance arrangement for urban management approaches and information system", *Habitat International*, 27: 523-547
- Schwab, B., kubler, D., walti, S., (2001), "Metropolitan governance and democracy in Switzerland, an attempt of operationalisation and an empirical assessment", *Governance and Democratic Legitimacy at the 29th conference*, Switzerland.
- Sheng, Y., (2010), "Good urban governancein Southeast Asia", *Environment and Urbanization ASIA*, 1: 131-147
- Stewart, R., (2006), "Designing good urban governance indicator: the importance of in greater Vancouver", *Cities*, 23: 196-204
- Van marssing, E., bolt, G., Van kempen, D., (2006), "Urban governance and social cohesion: effects of urban restruction in to Dutch cities", *Cities*, 23: 279-290
- World Bank., (2008), "Cities in transition : executive summary - a strategic view of urban and local government issues", Infrastructure Group, Urban Development. USA.